

عنوان مقاله:

بررسی تاثیرپذیری ابن رشد از غزالی در مسئله تاویل نصوص دینی

محل انتشار:

مجله الهیات تطبیقی، دوره 13، شماره 27 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

ابوذر رجبی - استادیار گروه آموزشی مبانی نظری اسلام، دانشکده مطالعات اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

مرسل عزیزی - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدرسی مبانی نظری اسلام، گروه آموزشی مبانی نظری اسلام، دانشکده مطالعات اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

خلاصه مقاله:

متفکران اسلامی در باب فهم آیات متشابه و مسئله ظاهر و باطن داشتن آیات به یکسان نمی اندیشند و گاهی اختلافات مبنایی میانشان وجود دارد. غزالی و ابن رشد از موافقان بهره گیری از روش تاویل در فهم آیات متشابه بودند و راه گریز از چالش و تعارض ظاهر و باطن را استفاده از رهیافت تاویل می دانستند. ابن رشد در مخالفت با غزالی شهره بود و کتاب تهافت التهافت را در نقد تهافت الفلاسفه غزالی نگاشت. با وجود نقدهایی که به او در این کتاب و دیگر آثارش صورت می دهد، در پاره ای از موارد و به ویژه در مسئله تاویل از غزالی تاثیر می پذیرد. غزالی دو گونه مواجهه در دو دوره فکری با مسئله تاویل دارد. این مواجهه در هر دو دوره کاملاً روشمند است و همین امر سبب الگوبرداری از روش ارائه شده او در مسئله تاویل شد. از این الگو در فهم متن ابن رشد بهره فراوانی برده است. براساس یافته های تحقیق، ابن رشد هم در ماهیت شناسی تاویل و هم در تعلیل و ضرورت اقبال به آن و هم در ابزار روی آوری به تاویل از غزالی متأثر بود؛ اگرچه اختلاف نظرهایی نیز در هریک از موارد با او دارد. در پژوهش حاضر، به روش توصیفی تحلیلی وجوه تاثیرپذیری ابن رشد از غزالی در مسئله تاویل نشان داده شده است.

کلمات کلیدی:

تاویل، غزالی، ابن رشد، ظاهر، باطن، محکم و متشابه، تعارض عقل و دین

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1475995>

